

برای مشاهده صفحات روزنامه تنها از مرورگر  
[Internet Explorer](#) استفاده کنید

PDF •  
ARCHIVE •

« جستجو »

روزنامه صبح ايراز

شماره 1158

سه شنبه، 21 دي 1389



خانه | روزنامه | فرهنگ | زندگي

صفحه نخست :: روزنامه :: صفحه آخر



نویسنده یا مترجم وقتی کتاب را به ناشر تحویل می دهد کتاب مراحل زیر را طی می کند.

1 - بررسی توسط ارزیاب مورد اعتماد ناشر (که به پذیرفتن یا نپذیرفتن آن منجر می شود. بدیهی است که اگر پذیرفته نشود به نویسنده یا مترجم بازگردانده می شود و اگر پذیرفته شود طی کردن مراحل نشر را ادامه می دهد.) 2- ویرایش 3- حروفچینی 4- نمونه خوانی 5- تصحیح در کامپیوتر و صفحه بندی 6- تطبیق و بازبینی نهایی 7- بازبینی نویسنده یا مترجم 8- اصلاح نهایی 9- ارسال به اداره کتاب برای اخذ مجوز پیش از چاپ. در اداره کتاب هم اتفاقات زیر برای کتاب محتمل است. 1- دریافت مجوز 2- مشروط بودن دریافت مجوز به انجام اصلاحاتی که عموماً ملاحظات محرمیت یا نام نویسنده های الکلی یا برخی موضوع گیری های سیاسی، تاریخی و... را شامل می شود. 3- اعلام غیرمجاز بودن نشر کتاب.

اتفاق اول که موجب خرسندی است. اتفاق دوم اگر چنان نباشد که انتشار کتاب را ناممکن کند (که گاه هست) تحمل شدنی است و سومین مورد جدای از لطمه مالی و ضربه جبران ناپذیر روحی به نویسنده یا مترجم، ناشر را تا آستانه ورشکستگی و در صورت مکرر بودن تا اعماق آن می کشاند.

يك حساب ساده سرانگشتي چرایی ماجرا را روشن می کند. کتابی 300 صفحه ای را در نظر بگیرید که ارزیابان ناشر آن را برای انتشار پسندیده اند. در يك نشر حرفه ای کتاب ابتدا ویرایش می شود. هزینه ویرایش امروزه از صفحه ای هزار تومان شروع می شود و اگر مثلاً ترجمه باشد و کار به ویرایش تطبیقی بکشد یا تالیف باشد و گاه بازنویسی بخواهد، از صفحه ای چند هزار تومان خواهد گذشت. این هزینه را به طور میانگین برای هر صفحه دو هزار و 500 تومان در نظر بگیرید. بنابراین هزینه ویرایش کتاب 300 صفحه ای 750 هزار تومان خواهد شد. حالا کتاب باید حروفچینی شود. این هزینه نیز بسته به نوع کتاب متفاوت است. قطع آن چیست؟ پانویس دارد یا ندارد و اگر دارد به چه میزان؟ فرمول نویسی می خواهد یا نه و...

مبلغ صفحه ای 300 تومان می تواند میانگین این هزینه باشد که برای همان کتاب 300 صفحه ای خواهد شد 90 هزار تومان. حالا کتاب باید نمونه خوانی شود. ناشران کاربلد اصرار دارند کتاب حتماً دو بار و توسط دو نمونه خوان متفاوت خوانده شود. صفحه ای 250 تومان می تواند میانگین هزینه نمونه خوانی در هر نوبت باشد که باز برای همان کتاب در

دو نوبت 150 هزار تومان خواهد شد. نوبت تصحیح و صفحه بندی است، البته طبق معمول هزینه بسته به نوع کار متغیر است، اما صفحه ای 300 تومان می تواند میانگین در نظر گرفته شود که در کتاب مورد نظر 90 هزار تومان خواهد شد. تطبیق صفحه ای 100 تومان هزینه خواهد داشت و 30 هزار تومان خواهد شد. برای بازبینی مترجم یا نویسنده مبلغی در نظر نمی گیریم که قیمت گذاشتنی نیست. کتاب اصلاح نهایی می شود تا به اداره کتاب برود. البته کتاب تا به اینجا برسد، چهار بار پیرنت گرفته شده است که هر برگ آن 50 تومان هزینه برداشته است. یعنی در کتاب یادشده 60 هزار تومان هزینه داشته است. اما نکاتی را نباید از قلم انداخت. اول اینکه درصدی از کتاب ها تصویر دارند و تصاویرشان باید اسکن شود که به هزینه کتاب خواهد افزود و مهم تر اینکه ناشران عموماً با نویسندگان یا مترجمان، به ویژه مترجمان، دو نوع قرارداد می بندند؛ گاه درصدی از پشت جلد به آنان اختصاص می یابد که بدیهی است کتاب باید منتشر شود تا جلد داشته باشد. گاه نیز خرید کتاب به صورت قطعی است. مثلاً مولفی برای ناشری در ازای مبلغی توافق شده، «فرهنگی» تنظیم می کند، یا مترجمی برای ناشر کتابی ترجمه می کند و با تحویل ترجمه مبلغ توافقی شده را دریافت و کتاب را برای همه چاپ ها به ناشر واگذار می کند. هر دو نوع قرارداد در حال حاضر در بازار نشر ایران و دیگر کشورها جاری اند. بازگردیم به همان کتاب 300 صفحه ای که به اداره کتاب ارسال شده است و سه گزینه برایش محتمل است. ناشران صاحب نام کشورمان، به طور میانگین، در سال حدود صد کتاب منتشر می کنند و کم و بیش یک سوم از کتاب هایشان خرید قطعی است. بنابراین اگر مبلغ صفحه ای 15 هزار تومان را به طور میانگین برای تالیف یا ترجمه یک کتاب در نظر بگیریم، در همان کتاب 300 صفحه ای به مبلغ چهار میلیون و 500 هزار تومان خواهیم رسید. باز به این هزینه، هزینه رفت و آمد به اداره کتاب، زمانی که نیروی انسانی صرف آن می کند و هزینه اسکن که از آن یاد کردیم، اضافه می شود. و حالا تصور کنید 10 درصد کتاب های ناشر غیرمجاز اعلام شوند یا شروطی که میزبان اداره کتاب پیش پای ناشر کتاب می گذارند به گونه ای باشد که عملاً انتشار آن را ناممکن کند، به این شکل ناشر با 27 میلیون تومان زیان قطعی در هر سال روبه رو خواهد بود. اگر 20 درصد کتاب ها چنین سرنوشتی بیابند چه خواهد شد؟ اگر میانگین صفحات کتاب ها 500 صفحه باشد، زیان چقدر خواهد بود؟ تازه زیان که فقط مالی نیست، آن همه کار مترجم، نویسنده، ویراستار، حروفچین، نمونه خوان و... همه یعنی هیچ؟ می دانم که پرسیده می شود چرا مثلاً قبل از انجام ویرایش و... کتاب را به اداره کتاب نمی فرستند؟ جواب ساده است؛ اداره کتاب پیرنت و فایل نهایی را می خواهد، همان که در صورت دریافت مجوز عیناً منتشر خواهد شد. و دیگر اینکه چرا اصلاً کتاب هایی که احتمال مجوز نگرفتن شان زیاد است، در جریان نشر قرار می گیرند؟

جواب باز هم روشن است؛ اول اینکه ناشران حرفه ای برای خود مقام ممیزی قائل نیستند و دوم اینکه اساساً احتمالی نمی شود داد. بسیاری کتاب ها بارها منتشر شده و در چاپ های چندم غیرمجاز اعلام شده اند. چه بسا اگر ناشری خود تصمیم می گرفت، هرگز منتشر نمی شدند. کتاب هایی هم با ترجمه و نشری مجوز گرفته اند ولی با ترجمه و ناشری دیگر غیرمجاز اعلام شده اند. اما اینها را گفتم تا به زیان انباشته ای اشاره کرده باشم که مدام به اقتصاد ضعیف نشر کتاب در ایران افزوده می شود، توان و روحیه اهالی کتاب و نشر را می فرساید و حاصلی برایش متصور نیست جز به حاشیه رفتن و حتی تعطیلی نشر کتاب.

